مرور

تازه‌ای نشرجسته

یک کاسه سوپ در آخرجهان

شرق: «رستوران آخر جهان»، دومین جلد از رمان پنج‌جلدی داگلاس آدامز با عنوان «راهنمای کهکشان برای اتواستپ‌زن‌ها» است. آدامز شرح سفر تقریباً دو ناخواسته آنردوت نرلتی برای جان جهان را با روایتی طنزآمیز بیان می‌کند. داستان مردی است که به‌خاطر مهارتش در اتواستاپ‌زدن بین‌کهکشانی از نابودی زمین نجات می‌یابد و در سفری کهکشانی در پی رمزگشایی از راز جهان که در عدد «چهل‌ودو» نهفته است، به رستورانی در آخر کهکشان می‌رسد و با مردی ملاقات می‌کند که اداره جهان را به‌عهده دارد. مدیر جهان کاری برای انجام‌دادن دارد و تنها با مدار بر روی کاغذ خط می‌کشد و چند بوز با میزش گفت‌وگو می‌کند تا متوجه شود که او چه واکنشی نشان می‌دهد.«رستوران آخر جهان» پر است از بازی‌های زبانی طنزآمیز و البته بازی با عدد. کل رمان تلاشی است برای بازکشایی رمز جهان جزاء؛ به نزاد از موجودات خیلی باهوش و چندبعدی در گذشته‌های دور به کامپیوتر ویژه و خیلی بزرگ ساخته شد تام تفکر عمیق این کامپیوتر قرار بود که یک‌راز برای همیشه جواب سوال بزرگ رو درباره زندگی، جهان و همه‌چیز پیدا کند و به اون‌ها بگه. تفکر عمیق هفت‌نویم میلیون سال فکر کرد و آخر سر اعلام کرد جواب سوال به کلمه است: «چهل‌ودو» اما طبیعی است که فهمیدن این پاسخ خیلی احتیاج به چیزی با تفکری عمیق داشت. نیمی‌زاده این مجموعه از روی ترجمه انگلیسی ادیت کراسمن از متن اسپانیایی به فارسی برگردانده است. او در بخشی از مقدمه‌اش درباره این مجموعه نوشته: «گاربول گارسیا مارکز در این کتاب، شیوای نوین از رواینویرداری به دست داده و «دفتر شعرهای منثور» ایوان تورگنیف را در چنین‌سال متمادی در جست‌وجوی زبان و بیان و ساختار داستانی تازه‌ای کوشیده است. و این خود می‌تواند یکی از رازهای توفیق نویسنده‌ای پرآوازه باشد که با هر کتاب تازه‌اش حادثه‌ای در عرصه ادبیات جهان آفریده. مارکز در بخشی از پیشگفتاری که به سال ۱۹۹۲ برای این مجموعه نوشت، آورده: «و این همان مجموعه‌داستان است، مجموعه‌ای که پس از آن همه سرگردانی و جابه‌جایی‌ها و تلاش برای از سر گذراندن ناهنجاری‌های بالتکلیفی اکنون بر سر سفره حاضر و آماده شده است. همه داستان‌ها به‌جز دو داستان اول، در یک زمان تمام شدند. و تاریخ آغاز روی هر داستان، دل‌ش آمده است. ترتیب داستان‌ها در این کتاب به همان شکلی است که در دفتر یادداشت بود. همیشه فکر می‌کرده‌ام نسخه‌های تازه هر داستان کوتاهی، بهتر از نسخه‌های پیشین آن است. بین در این صورت، چکوفه می‌توان فهمید نسخه نهایی کدام است؟ درست به همان روال که هر آشپزی خود می‌داند دست‌پخش کی آماده است و این شکر کار تابع هیچ قانون عقلانی نیست بلکه تابع جادوی غریزه است. بالین‌همه، برای من همیشه بسیار وسوسه بوده، داستان‌ها را بازخوانی نمی‌کنم، همان‌طور که هرگز هیچ‌یک از رمان‌هایم را هم... از بیم آنکه مبادا پشیمان بشوم که چرا اصلا آنها را نوشته‌ام، دوباره نخوانده‌ام. خواندگان خود می‌دانند، با آنها چه کنند. خوشبختانه از این کار داستان‌ها

شب مینا
گابریل گارسیا مارکز
ترجمه صفدر تقی‌زاده
نشر نگاه

هم. سفرشان در سید آشغال هم به پایان برسد. درست همچون سرخونی بازگشت به خان و مان است.» مارکز داستان‌های این مجموعه را که در طول هجده سال نوشته شده‌اند، در عرض شصت سال بازنویسی کرده است. در بخشی از داستان اول مجموعه با عنوان «سفر بخیر، آقای رئیس‌جمهور» می‌خوانیم: «روی نیمکتی چوبی زیر برگ‌های زرد یارک خالی و خلوت نشسته بود و قوهای خاکستری‌رنگ را تماشا می‌کرد و هر دو دستش را روی دسته نقره‌ای عصایش تکیه داده بود و به مرگ می‌اندیشید. در نخستین دیدارش از زنو، تریلیه آرام و بی‌دغدغه بود تا برعفان دیری الهی که از کنار اعضای رئیس‌جمهور گذشته بود، در همین داستان اول، مارکز در مقام یک راوی اعتراضی به تاریخ و اجتماع اقتباسی از زنو خواننده می‌دهد. همیشه در مقابل، در گزارش «زندگی سیمون» می‌بینیم. رویدادها در این گزارش سترک و سرنوشت‌سازند. یعنی به همان نسبت زنو خواننده به دست کشیده می‌شود. نبود توری ترجمه، و مترجمانی که بتوانند از این توری‌ها راهکار به دست تکرار، ترجمه می‌کنند. این امر در مورد نام کشورها و مکان‌ها هم صدق می‌کند. سویک را مترجم انگلیسی زوایک می‌نوشت، مترجم فرانسوی تسوایک. خالصه کنیم، سویک عین تلفظ آلمانی است. چون اولین حرف «ت» و «س» در هم در سکون اول است. برای فارسی‌زبان ناآشناست. بالی‌حساب ثبت سوایک یا کسا سین. به تلفظ آلمانی از هم نزدیک‌تر است.

■ «حدیث شطرنج» و رساله سیسرو» تازه‌ترین ترجمه‌ای است از شما منتشر شده است. چرا به سراغ انتشار سویک و ترجمه این دو اثر را ورفتید؟

سویک از نویسندگان خوش‌نثر آلمانی‌زبان است که در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم در ایران و همه جهان بسیار برخوانده بوده است. متأسفانه حضور چیره زبان‌های انگلیسی و فرانسوی در عین غیاب بسیاری زبان‌های صاحب فرهنگ در ایران، باعث شده که آثار او از راه زبانی واسط به فارسی دربیاید. و بیشتر این ترجمه‌ها، از نگاهی امروزی اگر داوری کنیم، بسیار سست هستند. برای همین هم به سراغ چاپ‌های بعدی نرسیده‌اند و از بازار کتاب غیبشان رفته است. البته همین‌جا بگویم که به‌بخشیده دلیل سستی این ترجمه‌ها را در دچره اول بزرگراندن از زبان واسط نمی‌دانم. چون به هرحال ترجمه با چنین زنده‌گان سروکار باید داشته باشد. نه با پوسته آن. هرچند ترجمه نجات‌دهنده باشد. و این خود یکی از دلایل مهم‌تر بود تا برعفان دیری الهی که از کنار اعضای رئیس‌جمهور گذشته بود، در همین داستان اول، مارکز در مقام یک راوی اعتراضی به تاریخ و اجتماع اقتباسی از زنو خواننده می‌دهد. همیشه در مقابل، در گزارش «زندگی سیمون» می‌بینیم. رویدادها در این گزارش سترک و سرنوشت‌سازند. یعنی به همان نسبت زنو خواننده به دست کشیده می‌شود. نبود توری ترجمه، و مترجمانی که بتوانند از این توری‌ها راهکار به دست تکرار، ترجمه می‌کنند. این امر در مورد نام کشورها و مکان‌ها هم صدق می‌کند. سویک را مترجم انگلیسی زوایک می‌نوشت، مترجم فرانسوی تسوایک. خالصه کنیم، سویک عین تلفظ آلمانی است. چون اولین حرف «ت» و «س» در هم در سکون اول است. برای فارسی‌زبان ناآشناست. بالی‌حساب ثبت سوایک یا کسا سین. به تلفظ آلمانی از هم نزدیک‌تر است.

■ «حدیث شطرنج» و رساله سیسرو» تازه‌ترین ترجمه‌ای است از شما منتشر شده است. چرا به سراغ انتشار سویک و ترجمه این دو اثر را ورفتید؟

سویک از نویسندگان خوش‌نثر آلمانی‌زبان است که در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم در ایران و همه جهان بسیار برخوانده بوده است. متأسفانه حضور چیره زبان‌های انگلیسی و فرانسوی در عین غیاب بسیاری زبان‌های صاحب فرهنگ در ایران، باعث شده که آثار او از راه زبانی واسط به فارسی دربیاید. و بیشتر این ترجمه‌ها، از نگاهی امروزی اگر داوری کنیم، بسیار سست هستند. برای همین هم به سراغ چاپ‌های بعدی نرسیده‌اند و از بازار کتاب غیبشان رفته است. البته این سه کتاب، با محدود حدیث کف‌وکوه‌دیم و اندک نیز در دچره اول بزرگراندن از زبان واسط نمی‌دانم. چون به هرحال ترجمه با چنین زنده‌گان سروکار باید داشته باشد. نه با پوسته آن. هرچند ترجمه نجات‌دهنده باشد. و این خود یکی از دلایل مهم‌تر بود تا برعفان دیری الهی که از کنار اعضای رئیس‌جمهور گذشته بود، در همین داستان اول، مارکز در مقام یک راوی اعتراضی به تاریخ و اجتماع اقتباسی از زنو خواننده می‌دهد. همیشه در مقابل، در گزارش «زندگی سیمون» می‌بینیم. رویدادها در این گزارش سترک و سرنوشت‌سازند. یعنی به همان نسبت زنو خواننده به دست کشیده می‌شود. نبود توری ترجمه، و مترجمانی که بتوانند از این توری‌ها راهکار به دست تکرار، ترجمه می‌کنند. این امر در مورد نام کشورها و مکان‌ها هم صدق می‌کند. سویک را مترجم انگلیسی زوایک می‌نوشت، مترجم فرانسوی تسوایک. خالصه کنیم، سویک عین تلفظ آلمانی است. چون اولین حرف «ت» و «س» در هم در سکون اول است. برای فارسی‌زبان ناآشناست. بالی‌حساب ثبت سوایک یا کسا سین. به تلفظ آلمانی از هم نزدیک‌تر است.

■ آیا نام اشتفان سوایک تلفظ صحیح‌تری از اشتفان تسوایک است؟ پیش‌تر او را در ایران غالبا با نام تسوایک می‌شناختند.

راستش انتقال اسامی به حوزه زبان‌های غیر، یک روند تاریخی دارد. به طور نمونه در اولین ترجمه‌ها از قرآن در قرن پانزدهم و نانزدهم میلادی، برای حضرت محمد جنبین نگارش و تلفظ جیم و واجود در زبان‌های مختلف ابداع شد که هیچ‌کدام با طنین عربی آن انطباق مطلوبی نداشت. در آن روزگار حتی درون یک زبان یگانه هم دهها گویش یا لهجه بود که از وجود هم اساسا خبر نداشتند. زمان و صنعت، نزدیکی ملت‌ها و فرهنگ‌ها را ممکن کرد و امروزه در همه زبان‌های اروپایی این نام، نام محمد، از جای ممکن به آوای عربی آن نزدیک شده است. این کار در مورد نام کشورها و مکان‌ها هم صورت می‌گیرد. برای حضرت فرانسوی تسوایک، خالصه کنیم، سویک تلفظ آلمانی است. چون اولین حرف «ت» و «س» در هم در سکون اول است. برای فارسی‌زبان ناآشناست. بالی‌حساب ثبت سوایک یا کسا سین. به تلفظ آلمانی از هم نزدیک‌تر است.

■ در سرآغاز نهضت ترجمه انگاری رابطه با ما تز گشتنگان قطع شده بوده است. شرفراسی فرن ششم را مقایسه کنید با بازتاب متون ترجمه. تفاوت وحشتناک است.

کوبی در هنر رویاتی‌کری فارسی یک وقفه چندصدساله افتاده باشد.

نتیجه آن‌که ترجمه‌های پیشین چیز چندانی از زیباشناختی کلام در خود نداشتند. دقتی هم در ترجمه محتوا در آن‌ها دیده و زود از یاد‌ها رفتند.

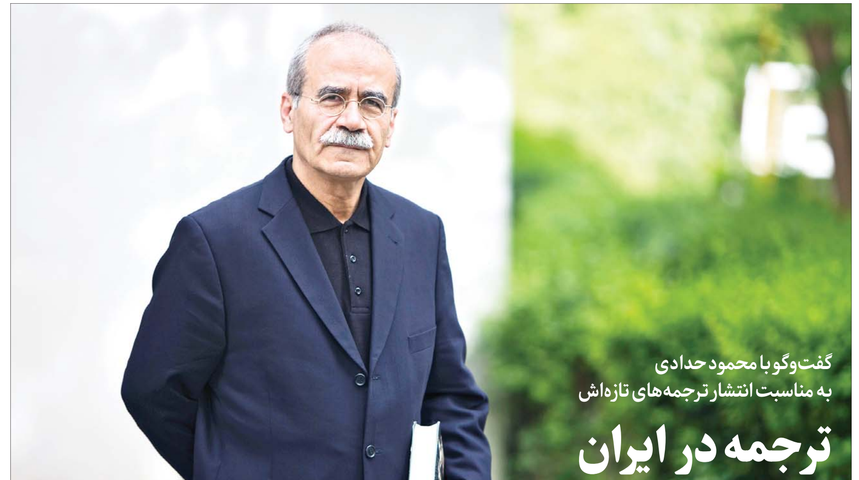

گفت‌وگو با محمود حدادی
به مناسبت انتشار ترجمه‌های تازه‌اش

ترجمه در ایران کاری بی‌مزد است

عکس: امیر جودی، شرق

عطف کتاب

داستان‌های سرگردان

پیام حیدرقزوینی

تازه‌ترین ترجمه محمود حدادی داستانی از اشتفان سوایک به همراه گفتاری از او درباره زندگی سیسرو است که هردو در کنار هم و در کتابی با عنوان «حدیث شطرنج و رساله سیسرو» توسط نشر نیلوفر منتشر شده‌اند. این هردو اثر مربوط به دوره‌ای از زندگی سوایک‌اند که او به دلیل جنگ دوم جهانی مجبور به مهاجرت از اروپا شده و در تبعید و انزوا و در جایی دور از وطن فرهنگی‌اش روزگار می‌گذراند. «حدیث شطرنج»، این داستان تمثیلی بازتابنده یک دوران، آخرین اثری است که سوایک پیش از خودکشی‌اش نوشت و از این حیث اثری است که هم برآمده از دوران پختگی قلم این نویسنده آلمانی‌زبان است و هم رد سال‌های وحشت و غربت را در خود دارد. «رساله سیسرو»، گزارشی درباره زندگی این سخنور کلاسیک رومی، نیز محصول همین دوره است و از همان شرایط تاریخی تأثیر گرفته و به همین دلیل بوده که حدادی این کفتار را در کنار «حدیث شطرنج» منتشر کرده است.

جزایر، به‌تازگی دو ترجمه دیگر حدادی نیز بعد از سال‌ها تجدید چاپ شده‌اند؛ «زیردست» هانریش مان در نشر ماهی و «دفتر شعرهای منثور» ایوان تورگنیف در نشر نگاه‌پشتی. «زیردست»، مشهورترین اثر هانریش مان، رمانی است با پس‌زمینه‌ای تاریخی که در آن اشاره‌هایی مشخص به تاریخ آلمان در نیمه‌دوم قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم شده است. هانریش مان در این رمان آنکارا اجتماعی، چشم‌اندازی وسیع از این دوره از تاریخ آلمان و مناسبات اجتماعی آن به دست داده و از این‌روست که این رمان، هم جایگاهی خاص در ادبیات آلمان دارد و هم اثری مرجع در شناخت تاریخ اجتماعی و سیاسی آلمان به شمار می‌رود. ایوان تورگنیف نیز، از نویسندگان و شاعران کلاسیک ادبیات روسیه است که از او آثار زیادی در حوزه‌های مختلف به جا مانده است. «دفتر شعرهای منثور» مشتمل شده و بعدها قطعه‌ها و متن‌هایی دیگر نیز به این مجموعه پیوست شد. به مناسبت انتشار این سه کتاب، با محمود حدادی گفت‌وگو کرده‌ایم و اینک پیش‌رو به «حدیث شطرنج و رساله سیسرو» پرداخته‌ایم.

«حدیث شطرنج»، پیش‌تر بارها به فارسی ترجمه شده بود و از حدادی درباره ترجمه‌های قبلی این داستان پرسیده‌اید و او به این واسطه قبلی به وضعیت ترجمه در ایران اذعان داده است. حدادی در این گفت‌وگو، علت اصلی ترجمه‌های سست را فقدان توری ترجمه در ایران دانسته و می‌گوید: «علت اصلی ترجمه‌های سست را در جای خالی توری ترجمه، و فقدان وقوف بر حدافلی و آسانی مشروی این فن می‌دانم. ترجمه نارسا را رسایی نام داد می‌زند مترجم آن بدون دانش توریک قلم به دست گرفته است. نبود توری ترجمه، و مترجمانی که بتوانند از این توری‌ها راهکار به دست و در تبعید و انزوا و در جایی دور از وطن فرهنگی‌اش روزگار می‌گذراند. «حدیث شطرنج»، این داستان تمثیلی بازتابنده یک دوران، آخرین اثری است که سوایک پیش از خودکشی‌اش نوشت و از این حیث اثری است که هم برآمده از دوران پختگی قلم این نویسنده آلمانی‌زبان است و هم رد سال‌های وحشت و غربت را در خود دارد. «رساله سیسرو»، گزارشی درباره زندگی این سخنور کلاسیک رومی، نیز محصول همین دوره است و از همان شرایط تاریخی تأثیر گرفته و به همین دلیل بوده که حدادی این کفتار را در کنار «حدیث شطرنج» منتشر کرده است.

جزایر، به‌تازگی دو ترجمه دیگر حدادی نیز بعد از سال‌ها تجدید چاپ شده‌اند؛ «زیردست» هانریش مان در نشر ماهی و «دفتر شعرهای منثور» ایوان تورگنیف در نشر نگاه‌پشتی. «زیردست»، مشهورترین اثر هانریش مان، رمانی است با پس‌زمینه‌ای تاریخی که در آن اشاره‌هایی مشخص به تاریخ آلمان در نیمه‌دوم قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم شده است. هانریش مان در این رمان آنکارا اجتماعی، چشم‌اندازی وسیع از این دوره از تاریخ آلمان و مناسبات اجتماعی آن به دست داده و از این‌روست که این رمان، هم جایگاهی خاص در ادبیات آلمان دارد و هم اثری مرجع در شناخت تاریخ اجتماعی و سیاسی آلمان به شمار می‌رود. ایوان تورگنیف نیز، از نویسندگان و شاعران کلاسیک ادبیات روسیه است که از او آثار زیادی در حوزه‌های مختلف به جا مانده است. «دفتر شعرهای منثور» در سال ۱۸۸۷ منتشر شد و بعدها قطعه‌ها و متن‌هایی دیگر نیز به این مجموعه پیوست شد. به مناسبت انتشار این سه کتاب، با محمود حدادی گفت‌وگو کرده‌ایم و اینک پیش‌رو به «حدیث شطرنج و رساله سیسرو» پرداخته‌ایم.

«حدیث شطرنج»، پیش‌تر بارها به فارسی ترجمه شده بود و از حدادی درباره ترجمه‌های قبلی این داستان پرسیده‌اید و او به این واسطه قبلی به وضعیت ترجمه در ایران اذعان داده است. حدادی در این گفت‌وگو، علت اصلی ترجمه‌های سست را فقدان توری ترجمه در ایران دانسته و می‌گوید: «علت اصلی ترجمه‌های سست را در جای خالی توری ترجمه، و فقدان وقوف بر حدافلی و آسانی مشروی این فن می‌دانم. ترجمه نارسا را رسایی نام داد می‌زند مترجم آن بدون دانش توریک قلم به دست گرفته است. نبود توری ترجمه، و مترجمانی که بتوانند از این توری‌ها راهکار به دست تکرار، ترجمه می‌کنند. این امر در مورد نام کشورها و مکان‌ها هم صدق می‌کند. سویک را مترجم انگلیسی زوایک می‌نوشت، مترجم فرانسوی تسوایک. خالصه کنیم، سویک عین تلفظ آلمانی است. چون اولین حرف «ت» و «س» در هم در سکون اول است. برای فارسی‌زبان ناآشناست. بالی‌حساب ثبت سوایک یا کسا سین. به تلفظ آلمانی از هم نزدیک‌تر است.

■ «حدیث شطرنج» و رساله سیسرو» تازه‌ترین ترجمه‌ای است از شما منتشر شده است. چرا به سراغ انتشار سویک و ترجمه این دو اثر را ورفتید؟

سویک از نویسندگان خوش‌نثر آلمانی‌زبان است که در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم در ایران و همه جهان بسیار برخوانده بوده است. متأسفانه حضور چیره زبان‌های انگلیسی و فرانسوی در عین غیاب بسیاری زبان‌های صاحب فرهنگ در ایران، باعث شده که آثار او از راه زبانی واسط به فارسی دربیاید. و بیشتر این ترجمه‌ها، از نگاهی امروزی اگر داوری کنیم، بسیار سست هستند. برای همین هم به سراغ چاپ‌های بعدی نرسیده‌اند و از بازار کتاب غیبشان رفته است. البته این سه کتاب، با محدود حدیث کف‌وکوه‌دیم و اندک نیز در دچره اول بزرگراندن از زبان واسط نمی‌دانم. چون به هرحال ترجمه با چنین زنده‌گان سروکار باید داشته باشد. نه با پوسته آن. هرچند ترجمه نجات‌دهنده باشد. و این خود یکی از دلایل مهم‌تر بود تا برعفان دیری الهی که از کنار اعضای رئیس‌جمهور گذشته بود، در همین داستان اول، مارکز در مقام یک راوی اعتراضی به تاریخ و اجتماع اقتباسی از زنو خواننده می‌دهد. همیشه در مقابل، در گزارش «زندگی سیمون» می‌بینیم. رویدادها در این گزارش سترک و سرنوشت‌سازند. یعنی به همان نسبت زنو خواننده به دست کشیده می‌شود. نبود توری ترجمه، و مترجمانی که بتوانند از این توری‌ها راهکار به دست تکرار، ترجمه می‌کنند. این امر در مورد نام کشورها و مکان‌ها هم صدق می‌کند. سویک را مترجم انگلیسی زوایک می‌نوشت، مترجم فرانسوی تسوایک. خالصه کنیم، سویک عین تلفظ آلمانی است. چون اولین حرف «ت» و «س» در هم در سکون اول است. برای فارسی‌زبان ناآشناست. بالی‌حساب ثبت سوایک یا کسا سین. به تلفظ آلمانی از هم نزدیک‌تر است.

■ آیا نام اشتفان سوایک تلفظ صحیح‌تری از اشتفان تسوایک است؟ پیش‌تر او را در ایران غالبا با نام تسوایک می‌شناختند.

راستش انتقال اسامی به حوزه زبان‌های غیر، یک روند تاریخی دارد. به طور نمونه در اولین ترجمه‌ها از قرآن در قرن پانزدهم و نانزدهم میلادی، برای حضرت محمد جنبین نگارش و تلفظ جیم و واجود در زبان‌های مختلف ابداع شد که هیچ‌کدام با طنین عربی آن انطباق مطلوبی نداشت. در آن روزگار حتی درون یک زبان یگانه هم دهها گویش یا لهجه بود که از وجود هم اساسا خبر نداشتند. زمان و صنعت، نزدیکی ملت‌ها و فرهنگ‌ها را ممکن کرد و امروزه در همه زبان‌های اروپایی این نام، نام محمد، از جای ممکن به آوای عربی آن نزدیک شده است. این امر در مورد نام کشورها و مکان‌ها هم صدق می‌کند. سویک را مترجم انگلیسی زوایک می‌نوشت، مترجم فرانسوی تسوایک. خالصه کنیم، سویک عین تلفظ آلمانی است. چون اولین حرف «ت» و «س» در هم در سکون اول است. برای فارسی‌زبان ناآشناست. بالی‌حساب ثبت سوایک یا کسا سین. به تلفظ آلمانی از هم نزدیک‌تر است.

■ «حدیث شطرنج» و رساله سیسرو» تازه‌ترین ترجمه‌ای است از شما منتشر شده است. چرا به سراغ انتشار سویک و ترجمه این دو اثر را ورفتید؟

سویک از نویسندگان خوش‌نثر آلمانی‌زبان است که در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم در ایران و همه جهان بسیار برخوانده بوده است. متأسفانه حضور چیره زبان‌های انگلیسی و فرانسوی در عین غیاب بسیاری زبان‌های صاحب فرهنگ در ایران، باعث شده که آثار او از راه زبانی واسط به فارسی دربیاید. و بیشتر این ترجمه‌ها، از نگاهی امروزی اگر داوری کنیم، بسیار سست هستند. برای همین هم به سراغ چاپ‌های بعدی نرسیده‌اند و از بازار کتاب غیبشان رفته است. البته این سه کتاب، با محدود حدیث کف‌وکوه‌دیم و اندک نیز در دچره اول بزرگراندن از زبان واسط نمی‌دانم. چون به هرحال ترجمه با چنین زنده‌گان سروکار باید داشته باشد. نه با پوسته آن. هرچند ترجمه نجات‌دهنده باشد. و این خود یکی از دلایل مهم‌تر بود تا برعفان دیری الهی که از کنار اعضای رئیس‌جمهور گذشته بود، در همین داستان اول، مارکز در مقام یک راوی اعتراضی به تاریخ و اجتماع اقتباسی از زنو خواننده می‌دهد. همیشه در مقابل، در گزارش «زندگی سیمون» می‌بینیم. رویدادها در این گزارش سترک و سرنوشت‌سازند. یعنی به همان نسبت زنو خواننده به دست کشیده می‌شود. نبود توری ترجمه، و مترجمانی که بتوانند از این توری‌ها راهکار به دست تکرار، ترجمه می‌کنند. این امر در مورد نام کشورها و مکان‌ها هم صدق می‌کند. سویک را مترجم انگلیسی زوایک می‌نوشت، مترجم فرانسوی تسوایک. خالصه کنیم، سویک عین تلفظ آلمانی است. چون اولین حرف «ت» و «س» در هم در سکون اول است. برای فارسی‌زبان ناآشناست. بالی‌حساب ثبت سوایک یا کسا سین. به تلفظ آلمانی از هم نزدیک‌تر است.

■ «حدیث شطرنج» و رساله سیسرو» تازه‌ترین ترجمه‌ای است از شما منتشر شده است. چرا به سراغ انتشار سویک و ترجمه این دو اثر را ورفتید؟

سویک از نویسندگان خوش‌نثر آلمانی‌زبان است که در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم در ایران و همه جهان بسیار برخوانده بوده است. متأسفانه حضور چیره زبان‌های انگلیسی و فرانسوی در عین غیاب بسیاری زبان‌های صاحب فرهنگ در ایران، باعث شده که آثار او از راه زبانی واسط به فارسی دربیاید. و بیشتر این ترجمه‌ها، از نگاهی امروزی اگر داوری کنیم، بسیار سست هستند. برای همین هم به سراغ چاپ‌های بعدی نرسیده‌اند و از بازار کتاب غیبشان رفته است. البته این سه کتاب، با محدود حدیث کف‌وکوه‌دیم و اندک نیز در دچره اول بزرگراندن از زبان واسط نمی‌دانم. چون به هرحال ترجمه با چنین زنده‌گان سروکار باید داشته باشد. نه با پوسته آن. هرچند ترجمه نجات‌دهنده باشد. و این خود یکی از دلایل مهم‌تر بود تا برعفان دیری الهی که از کنار اعضای رئیس‌جمهور گذشته بود، در همین داستان اول، مارکز در مقام یک راوی اعتراضی به تاریخ و اجتماع اقتباسی از زنو خواننده می‌دهد. همیشه در مقابل، در گزارش «زندگی سیمون» می‌بینیم. رویدادها در این گزارش سترک و سرنوشت‌سازند. یعنی به همان نسبت زنو خواننده به دست کشیده می‌شود. نبود توری ترجمه، و مترجمانی که بتوانند از این توری‌ها راهکار به دست تکرار، ترجمه می‌کنند. این امر در مورد نام کشورها و مکان‌ها هم صدق می‌کند. سویک را مترجم انگلیسی زوایک می‌نوشت، مترجم فرانسوی تسوایک. خالصه کنیم، سویک عین تلفظ آلمانی است. چون اولین حرف «ت» و «س» در هم در سکون اول است. برای فارسی‌زبان ناآشناست. بالی‌حساب ثبت سوایک یا کسا سین. به تلفظ آلمانی از هم نزدیک‌تر است.

حدیث شطرنج و رساله سیسرو
اشتفان سوایک
نشر نیلوفر

زیردست
هانریش مان
نشر ماهی

دفترشعرهای منثور
ایوان تورگنیف
نشر کولەپشتی

رساله شطرنج

اشتفان سوایک داستان «رساله شطرنج» را همزمان با زندگی‌نامه‌اش «جهان دیروز» نوشت. بازبینی در پیدایش مفاهیم یک‌پارچه‌ای که در قدرت توکیه و رو آوچه اتریش، در این داستان هم پس‌زمینه قوی‌ارمی‌گیرد و هم‌زمان در دو شخصیت متضاد که با همه ویژگی‌های فردی خود در ضمن نمادی زنده‌اند، فرهنگ کهن هنر مجلس این نویسنده را در خطر سقوط نشان می‌دهد. چنتوویچ و دکتر ب، هریک نمادی از دو وضعیت متخالف‌اند. چنتوویچ، نمادی از قدرت تازه‌درآمدنویسنده فاشیسم است. آدم بدون کذشته‌ای درخشان که تنها به‌واسطه مهارتی که در شطرنج دارد، به جایگاهی رسیده که لایقش نیست. در مقابل اما، دکتر ب، حقوق‌دانی است که در زندان انفرادی و برای افراد ارتجاعی، به‌طور انفاقی به شطرنج روی آورده. او در سلول انفرادی‌اش بازی‌های مختلف قهرمان‌های شطرنج را مرور می‌کند و در ادامه خودش با خودش به بازی می‌پردازد و به‌مرور زجرآور خودش دوباره می‌شود. شطرنج برای دکتر ب، نماد سرکوب است و او در آخر به جنونی دچار می‌شود که زندگی‌اش را در بیمارستان روانی و پزشکان او را از شطرنج منع می‌کند. دکتر ب به‌تواتر نمادی از روشنفکران آلمانی در نیمه اول قرن بیستم باشند که در برابر فاشیسم سرنوشتی جز شکست نداشتند.

زیردست

هانریش مان تا حد زیادی شهرتش را مدیون «زیردست» است. رمانی که تصویری همه‌جانبه از نظام قیصری به دست داده است. طرح‌های نخست این رمان در سال ۱۹۰۶ این‌فاصله بین پس‌زمینه قوی‌ارمی‌گیرد و هنگامی که در فاصله ۱۹۱۴ تا نوشتنش پایان یافت، اما انتشارش به‌صورت باورقی در یک روزنامه با شروع جنگ جهانی اول متوقف شد. «زیردست» در کنار دو رمان دیگر هانریش مان یعنی «سر» و «نیوتان» به‌عنوان سه‌گانه دوران ویلهلمی مطرح هستند. شاخ‌تی عمیق و روان‌شناسانه از جامعه آلمان قیصری در این رمان به دست داده شده است. هانریش مان در این رمان با قلمی روان‌کاو قدرت بوچ، و ارایسر و چاپلوس‌پرور دولت ویلهلمی، و جاهطلبی آزمندانه آن را با پیکری و نکته‌سنجی فلاکت‌زدای نشان داده است. در «زیردست»، به‌عنوان رمانی اجتماعی، تاریخ این دوران است که هانریش مان به شکلی زنده در پیش چشم ما می‌گیرد تا در چهاندازی وسیع از محیط خانه تا آموزش فرهنگ، کار، ارتش و رسانه‌ها، جامعه خود را به تصویر درآورد. او نمونه‌های مختلف از مناسبات قدرت را